

جهانی شدن اقتصاد، فرصتها و چالشها

محمد حسین حکیمیان

کارشناس بخش تحقیق و مشاوره سازمان مدیریت صنعتی

چکیده: امروز جهانی شدن از جنبه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نقل محافل تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است و در هر یک از جنبه‌های فوق، مباحثی چون افول «دولت - ملت»، یکسان‌سازی الگوهای فرهنگی و شکاف بین کشورهای فقیر و غنی به چالش طلبیده می‌شود. در این مقاله، ضمن ترسیم تحولاتی که در فضای اقتصاد جهانی رخ داده است، تلاش می‌شود به فرصتها و چالشهایی که در خصوص روندهای جهانی شدن و آزادسازی تجاری وجود دارد، اشاره شود. گرچه فرصتهایی که جهانی شدن در اختیار می‌گذارد کم نیستند، نحوه نگرش نسبت به آنها و شناخت صحیح از ساز و کارهایی که این فرصتها در اختیار می‌گذارند، همراه با شناخت از نقاط قوت و ضعف اقتصاد کشور حایز اهمیت بسیار است.

کلیدواژه‌ها: جهانی شدن، آزادسازی تجارت، گات، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، حاشیه‌گرایی، موافقت‌نامه‌های همکاری منطقه‌ای، وابستگی متقابل، سازمان تجارت بین‌المللی، تجارت بین صنایع، صرفه‌جوییهای مقیاس، سیاست راهبردی تجاری

«جهانی فکر کنید، محلی عمل کنید.»

تئودور لویت

نخستین شکل غالب تقسیم کار بین‌المللی، پس از همه‌گیر شدن انقلاب صنعتی، تقسیم جهان به دو قطب تولیدکننده کالاهای اولیه و کالاهای صنعتی بود و این روند تا دهه ۱۹۵۰ همچنان ادامه یافت. آمارهای موجود تا اندازه زیادی مؤید این مدعاست. در سال ۱۹۵۵ بیش از نصف تجارت

جهانی متعلق به تجارت کالاهای اولیه بود اما در سال ۱۹۸۶ سهم کالاهای مذکور در تجارت جهانی به ۳۶ درصد و در سال ۱۹۹۰ به ۲۵ درصد کاهش یافت. کاهش سهم کالاهای اولیه و افزایش سهم نسبی کالاهای کارخانه‌ای به حدود سه چهارم ارزش تجارت جهانی، حاکی از تغییری بنیانی در تقسیم کار بین‌المللی است. نگاهی به تحولات ترکیب صادرات

آنها نقش حیاتی دارد. چنین تولیداتی باید با اقلام تولیدی و یا نرم افزارهای سایر مؤسسات تولیدی در سطح جهان همخوانی داشته باشد. دوم، تولید یک کالای واحد توسط چند کشور است. در این صورت طراحی و تولید یک کالای مشخص از کشورهای مختلف گردآوری می‌شود. به عنوان مثال همان طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، هشت کشور در تولید اتومبیل پونتیاک لومن آمریکا نقش داشته‌اند. سهم مراحل مختلف تولید در قیمت ۲۰۰۰ دلار اتومبیل لومن به شرح زیر است:

- سهم مونتاز، ۶۰۰۰ دلار (کره جنوبی)
- سهم تولید موتور و شاسی، ۳۵۰۰ دلار (ژاپن)
- سهم طراحی، ۱۵۰۰ دلار (آلمان)
- سهم تولید قطعات کوچک، ۸۰۰ دلار (تایوان، سنگاپور و ژاپن)
- سهم بازاریابی و تبلیغات، ۵۰۰ دلار (انگلستان)
- سهم خدمات اطلاعاتی و انفورماتیک، ۱۰۰ دلار (ایرلند)
- ۷۶۰۰ دلار مابقی سهم سود جنرال موتورز و پرداخت به وکلا، بانکداران و شرکتهای بیمه آمریکایی است.

یک نمونه دیگر از این تقسیم کار بین‌المللی، همکاری ۱۵ کشور پیشرفته جهان^۵ در تولید

کشورهای جهان نشان می‌دهد که اهمیت نسبی تولید و مبادله کالاها بر مبنای الگوی قدیمی تقسیم کار بین‌المللی به تدریج کاهش یافته است. اکنون شکل غالب تقسیم کار بین‌المللی صدور کالاهای صنعتی در برابر ورود کالاهای صنعتی است. این نوع تقسیم کار به تقسیم کار یا تجارت بین صنایع^۱ مشهور است. تجارت بین صنایع به پدیده‌ای اطلاق می‌شود که یک کشور هم واردکننده و هم صادرکننده محصولات یک صنعت مشخص باشد. رواج این نوع تقسیم کار در جهان و به ویژه در کشورهای پیشرفته، محصول سه علت است: نخست، افزایش درآمد مصرف‌کنندگان و تنوع‌خواهی آنان تقاضا برای کالاهای مشابه خارجی را افزایش داده است. دوم، صرفه‌جوییهای مقیاس^۲ است. تولید کنندگانی که در مقیاس جهانی کالا تولید می‌کنند در تولید بسیاری از کالاها نسبت به تولیدکنندگان محلی مزیت نسبی دارند. علت سوم هزینه‌های حمل و نقل است.

به نظر می‌رسد که تقسیم کار بین‌المللی از حد تقسیم کار بین صنایع فراتر رفته است. امروز مزیت نسبی و تخصص، در تولید اجزای یک کالای مشخص متمرکز شده است. تولید بسیاری از کالاها، جهانی شده و نقش تولیدی هر کشور تنها در تولید جزء معینی از کالایی معین است. در حقیقت، این گونه کالاها کارخانه‌ای به وسعت جهان دارند و در این کارخانه جهانی^۳ تولید می‌شوند. جهانی کردن تولید^۴ به دو صورت نمود پیدا کرده است. اول، تولید کالا با استاندارد جهانی است. بهترین نمونه این نوع تولیدات، کالاهای الکترونیکی است که استاندارد جهانی در

1. Intra-Industry Trade

2. Economics of scale

3. Global Factory 4. Product Globalization

۵. انگلستان، سوئد، آلمان، هلند، فرانسه، بلژیک، نروژ، دانمارک، کانادا، اتریش، ایالات متحده آمریکا، اسپانیا، ایتالیا، سوئیس و ژاپن

جدول ۱. مراحل تولید انومبیل پونتیاک و کشورهای تولیدکننده

ردیف	شرح	کشور تولیدکننده
۱	طراحی	آلمان غربی
۲	مونتاژ نهایی	کره جنوبی
۳	موتور ۱۶ لیتر	کره جنوبی
۴	موتور ۲ لیتر	استرالیا
۵	دستگاه انتقال حرکت و دنده خودکار	کانادا و ایالات متحد
۶	دنده معمولی	کره جنوبی
۷	اجزای ترمز	فرانسه، ایالات متحد، کره جنوبی
۸	تایر	کره جنوبی
۹	وسایل الکتریکی	کره جنوبی
۱۰	ورقه‌های فلزی	ژاپن
۱۱	پرس اجزای خارجی بدنه	کره جنوبی
۱۲	سیستم انژکتور بنزین	ایالات متحد
۱۳	اجزای محور عقب	ایالات متحد و کره جنوبی
۱۴	پمپ بنزین	ایالات متحد
۱۵	رادیو	سنگاپور
۱۶	اجزای فرمان	ایالات متحد
۱۷	شیشه‌ها	کره جنوبی
۱۸	باتری	کره جنوبی

انومبیل فورد اسکورت در اروپاست. کشورهای در حال توسعه و شرکت مادر صورت این شیوه تولید، عمدتاً توسط شرکتهای چند ملیتی سازمان داده می‌شود. در گذشته، تولید کالاهای کارخانه‌ای شرکتهای تابع مستقر در کشورهای دیگر با فناوری و کالاهای واسطه شرکت مادر صورت می‌گرفت. اکنون شرکتهای تابع به طور روز افزونی به سوی فرایند تولید یکنواخت^۱ گام برمی‌دارند. به عبارت دیگر، هریک از شرکتهای تابع یک شرکت مادر، فقط بخشهایی از تولید یک کالای واحد را که در آن مزیت نسبی دارند تولید می‌کنند. چنین تقسیم کاری که بین شرکتهای تابع مستقر در

1. Uniform Production Process
2. Globalization of markets

متوسط سالانه ۶ درصد رشد داشته، در حالی که متوسط نرخ رشد سالانه تولید کالایی جهان، ۳٫۹ درصد بوده است.

● در سال ۱۹۹۸، صادرات کالایی جهان، بیش از ۵٫۲ تریلیون دلار بود که به قیمتهای ثابت نسبت به سال ۱۹۴۸، ۱۸ برابر افزایش نشان می دهد.

● گرچه جمعیت جهان در سال ۱۹۹۸ به ۶ میلیارد نفر رسید که نسبت به ۵۰ سال قبل دو برابر شده بود، اما صادرات سرانه به قیمتهای ثابت در این فاصله زمانی ۸ برابر شد.

● در سال ۱۹۵۰، سهم صادرات کالاها و خدمات در تولید ملی ۸ درصد بود، حال آنکه در سال ۱۹۹۸، این سهم به بیش از ۲۵ درصد رسید.

در سال ۲۰۰۰، سهم کشورهای توسعه یافته، کشورهای با اقتصاد در حال گذار و کشورهای در حال توسعه در تجارت جهانی کالا به ترتیب در حدود معادل ۶۵ درصد، ۴٫۵ و ۳۱٫۵ درصد بوده است. عمده سهم کشورهای در حال توسعه به کشورهای جنوب و شرق آسیا اختصاص داشته است. در میان مناطق در برگیرنده کشورهای در حال توسعه، آفریقا با ۲٫۵ درصد و خاورمیانه با ۴٫۵ درصد کمترین سهم را در تجارت جهانی کالا دارا بوده اند.

تجارت کالاهای صنعتی

رشد تولید و تجارت جهانی محصولات صنعتی، از دیگر روندهای قابل مشاهده است. شاخص تولید صنعتی جهان از ۱۰۹ در سال ۱۹۸۶

ترجیحهای مصرفکنندگان برای پذیرش محصولات جهانی چون کوکاکولا و همبرگر مکدونالد در حال تغییر است. البته در خصوص این نکته نمی توان زیاد اغراق کرد، چرا که هنوز تفاوتهای ملی در بحث جهانی شدن موضوعی جدی است.

جهانی شدن اقتصاد و نشانهها

در دنیای امروز هیچ کشوری بدون ارتباط با جهان و به ویژه بدون ارتباط با اقتصاد جهانی نیست. نظام اقتصاد جهانی، در دهه اخیر دستخوش تحولات جدیدی شده است که مهمترین آنها جهانی شدن اقتصاد دنیاست. جهانی شدن اقتصاد را می توان با چند شاخص شناسایی کرد.

تجارت کالاها و خدمات

یکی از شاخصهای مهم، تجارت کالاها و خدمات است که هم اکنون حجم صادرات و واردات آن در جهان به ارقام بالایی رسیده که قبلاً سابقه نداشته است. در سال ۲۰۰۰، ارزش صادرات کالاها و خدمات ۷٫۶ تریلیون دلار بود که ۶٫۲ تریلیون دلار به کالا و ۱٫۴ تریلیون دلار آن به خدمات اختصاص داشت. در این سال، رشد صادرات کالا و خدمات نسبت به سال ۱۹۹۹، به ترتیب ۱۲٫۵ و ۵ درصد بوده است. در فاصله سالهای ۹۸-۱۹۴۸ (طی نیم قرن) برخی روندهای مهم در تجارت بین الملل به شرح زیر است:

- از سال ۱۹۴۸، تجارت جهانی پیوسته سریعتر از تولید جهانی رشد کرده است.
- تجارت کالایی به قیمتهای ثابت به طور

(۱۰۰ = ۱۹۸۰) به ۱۴۰ در سال ۱۹۹۶ رسید [۹]. به عنوان نمونه، سهم کالاهای صنعتی در تجارت جهان طی دوره ۱۹۹۴ - ۱۹۸۰ از ۵۲٫۹ درصد به ۷۴٫۳ درصد و حجم آن از حدود ۱۰۹۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۴ بالغ شده است [۱۰].

همان طور که قبلاً اشاره شد و در نمودار ۱ مشاهده می‌شود طی نیم قرن اخیر، رشد تجارت جهان همواره بیش از رشد تولید جهان بوده است. گرچه این امر در مورد محصولات کشاورزی، مواد معدنی و کالاهای صنعتی صادق است. تفاوت رشد تجارت و تولید محصولات صنعتی از سایر کالاها بیشتر بوده است. تغییرات در تجارت کالایی جهان در نمودار ۲ به وضوح نشان داده شده است. صادرات کالاهای کارخانه‌ای جهان در فاصله سالهای ۹۸-۱۹۴۸ (طی ۵۰ سال)، ۴۳ برابر و در طی همان دوره، تولید جهانی ۸ برابر و تولید کالاهای کارخانه‌ای جهان ۱۰ برابر رشد کرده است.

طی دوره ۹۲-۱۹۷۵، تجارت جهانی کالاهای صنعتی بارشده‌ی سریعتر از تجارت جهان از رقم ۴۹۹ میلیارد دلار به ۲۷۰۷ میلیارد دلار بالغ شده است. بخش اعظم تجارت جهانی کالاهای صنعتی به کشورهای توسعه یافته اختصاص دارد و این کشورها سهم فزاینده‌ای از واردات جهانی این محصولات را به خود اختصاص داده‌اند. به عنوان نمونه سهم این کشورها در واردات جهانی محصولات صنعتی از ۶۱٫۸ درصد در سال ۱۹۷۵ به ۶۹٫۸ درصد در سال ۱۹۹۲ افزایش یافت. حدود ۸۰ درصد از

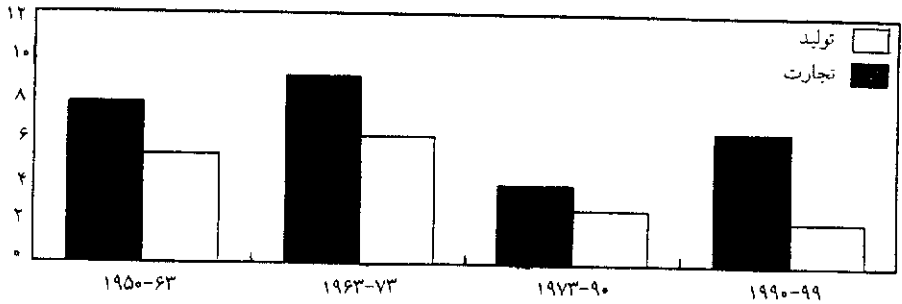
صادرات کالاهای صنعتی کشورهای در حال توسعه به کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا اختصاص دارد و در واقع به واسطه عملکرد این کشورهاست که سهم کشورهای در حال توسعه در صادرات جهانی محصولات صنعتی از ۶٫۳ درصد در سال ۱۹۷۵ به حدود ۱۵ درصد در سال ۱۹۹۲ بالغ شده است. کشورهای توسعه یافته نه تنها بخش اعظم تجارت جهانی این محصولات را در اختیار دارند، بلکه حدود سه چهارم صادرات واردات آنها نیز بین اعضای همین گروه صورت می‌گیرد. نزدیک به ۵۸ درصد از صادرات محصولات صنعتی کشورهای در حال توسعه نیز در بازار کشورهای پیشرفته به فروش می‌رسد [۱۱].

نظام مالی

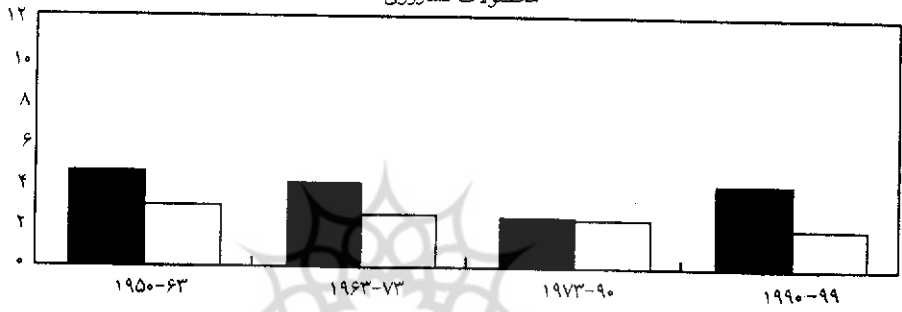
وجه دیگر جهانی شدن، جهانی شدن نظام مالی است. در ۱۹۸۵، نقل و انتقال روزانه ارزها به ۲۰۰ میلیارد دلار می‌رسید. یک دهه بعد بانک تسویه بین‌المللی^۱، این رقم را حدود شش برابر یعنی روزانه ۱٫۲۳ تریلیون دلار (یا صد برابر رقم تجارت جهانی) برآورد می‌کند. در همین مدت جریان سرمایه بین‌المللی، افزایش چشمگیری داشت. ارقام بانک تسویه بین‌المللی، خروج سرمایه از کشورهای OECD را در سال ۱۹۹۳، ۶۵۴ میلیارد دلار ذکر کرد. در سال ۱۹۸۵، کمتر از ۵۰ کشور، بازار اوراق بهادار داشتند که مجموع سرمایه آنها ۴٫۷ تریلیون دلار بود. در ۱۹۹۵، حداقل ۱۲۵ کشور بازار اوراق بهادار داشتند و با

1. Bank for international settlement

کلیه کالاهای



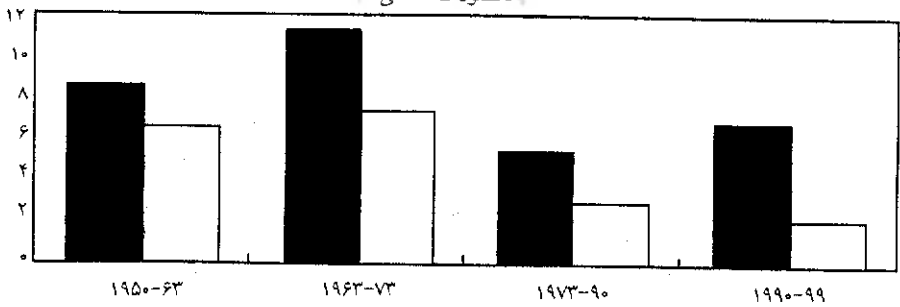
محصولات کشاورزی



محصولات معدنی (شامل نفت خام)

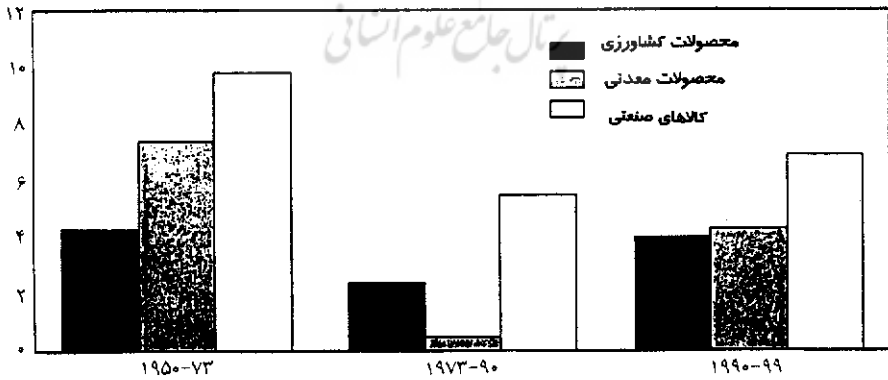
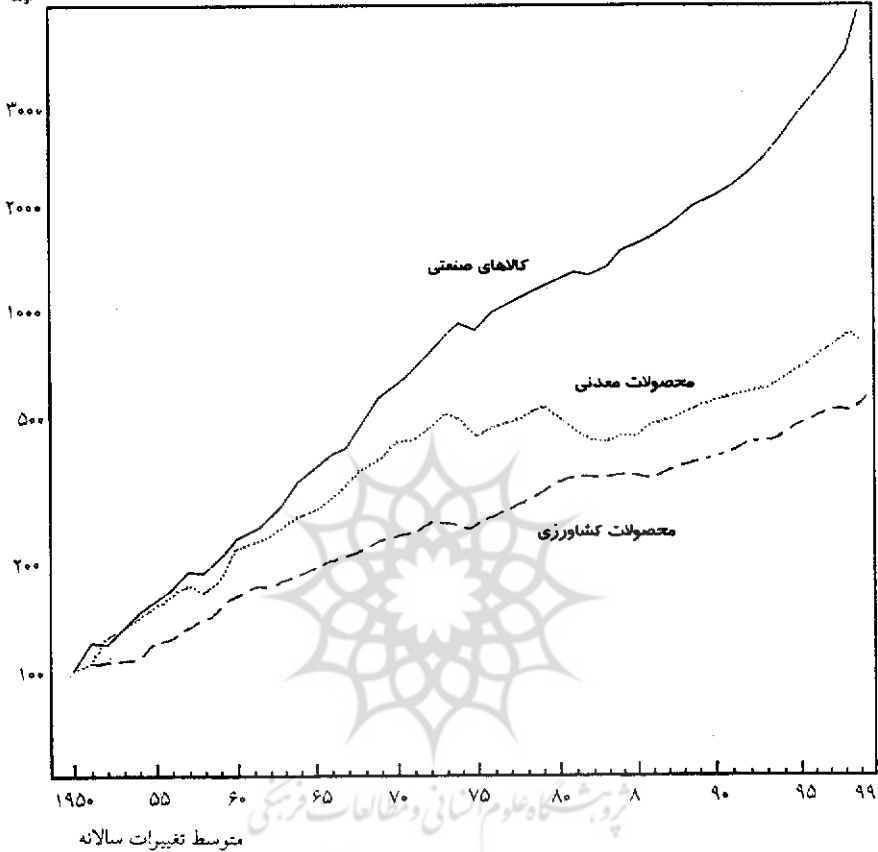


محصولات صنعتی



نمودار ۱. متوسط تغییرات سالانه در تولید کالایی جهان برحسب گروه کالاهای عمده طی سالهای ۱۹۵۰-۹۹ (منبع: اینترنت، مستندات WTO)

مقیاس
۱۰۰ (شاخص ۱۰۰=۱۹۵۰)



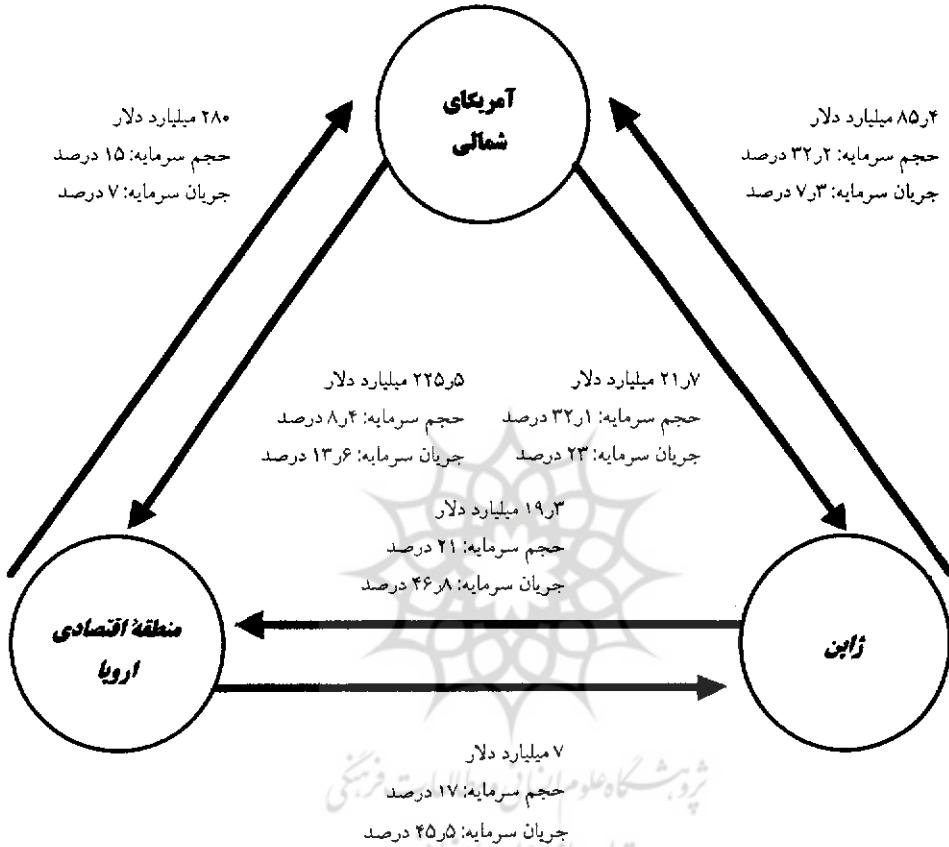
نمودار ۲. تغییرات در شاخص تجارت کالایی جهان برحسب گروه کالاهای عمده طی سالهای ۱۹۵۰ - ۹۹
(منبع: اینترنت، مستندات WTO)

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

وجه دیگر جہانی شدن اقتصاد در زمینه سرمایه‌گذاری است که به صورت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بین کشورها بروز یافته است. گزارش سرمایه‌گذاری جہانی از انتشارات کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل (UNCTAD) نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شرکت‌های فراملیتی در سال ۱۹۹۵ رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. طی سال ۱۹۹۵، مجموع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه ۴۰ درصد ترقی پیدا کرد و به سطح ۳۱۵ میلیارد دلار بالغ شد که ۱۰۰ میلیارد دلار از این مبلغ با رشد ۱۵ درصدی نسبت به سال ۱۹۹۴ به کشورهای در حال توسعه اختصاص داشت. شرکت‌های فراملیتی آمریکا در مجموع بزرگترین سرمایه‌گذاران خارجی بودند و آمریکا در عین حال بزرگترین کشور میزبان برای سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی محسوب می‌شد. اما ژاپن اکنون دارای ۱۹ شرکت فراملیتی در فهرست بزرگترین ۱۰۰ شرکت است که قابل مقایسه با ۱۱ شرکت از این نوع در سال ۱۹۹۰ است. حجم سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در حدود ۳۹ هزار شرکت فراملیتی با حدود ۲۷۰ هزار شرکت وابسته خارجی کلاً به بیش از ۴۲۷۷ هزار میلیارد دلار بالغ شده است. در حدود ۲۵ درصد کسل جریان‌ات سرمایه‌مذکور به بزرگترین ۱۰۰ شرکت سرمایه‌گذاری که متر تمامی آنها در کشورهای توسعه یافته واقع است، اختصاص دارد. در نمودار ۳ چگونگی توزیع

در نظر گرفتن بازار اوراق بهادار چین و کشورهای کوچک حاصل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، این تعداد تقریباً چهار برابر شده و کل سرمایه‌ای که در این بازارها جریان دارد، ۱۶ تریلیون دلار بوده است. در همین مدت سرمایه‌گذاری در صندوق‌های سرمایه‌گذاری ۳۰ برابر شده و به ۱۶۱٫۹ میلیارد دلار رسیده است. در سال ۱۹۸۵، چیزی به نام اوراق قرضه بین‌المللی وجود نداشت.

نخستین اوراق قرضه بین‌المللی در سال ۱۹۸۹ به مبلغ ۱٫۵ میلیارد دلار توسط بانک جہانی منتشر شد. در سال ۱۹۹۵، حدود ۲۰۱ میلیارد دلار اوراق قرضه جہانی همزمان در بازارهای لندن، نیویورک، پاریس و توکیو معامله شد. سیستم جدید مالی تا حد زیادی، نمایانگر موفقیت بازارهای سرمایه است. بانکداری سنتی در حالت دفاعی قرار می‌گیرد. در سال‌های آخر ۱۹۷۰، وام‌های بانکی ۴۹٫۵ درصد جریان سرمایه بخش خصوصی کشورهای ثروتمند را تشکیل می‌داد ولی بانک‌ها در آمریکای لاتین و آفریقا مواجه با عدم پرداخت شدند. بنابراین گرچه در دهه ۸۰، از نظر آماری میزان وام‌ها سه برابر شده و به چهار تریلیون دلار رسید اما طبق محاسبه موسسه بیرینگ‌سکیوریتی^۱ سهم بانک‌ها در میزان جریان سرمایه به ۹٫۲ درصد رسید. در عین حال، سرمایه‌گذاری روی سهام افزایش زیادی یافت. خرید اوراق قرضه ۴۱٫۶ درصد و خرید سهام، ۳۵ درصد جریان سرمایه بخش خصوصی کشورهای OECD را تشکیل می‌داد [۲].



نمودار ۳. روابط بین سه قطب اقتصاد جهانی در زمینه سرمایه گذاری خارجی مستقیم در ۱۹۹۰

عمل می‌کرد. گزارش سرمایه گذاری جهانی انکتاد می‌افزاید جریانهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی شدیداً در مناطق خاصی تمرکز یافته‌اند. کوچکترین دریافت‌کننده FDI در میان ۱۰۰ کشور، فقط یک درصد از مجموع سرمایه‌گذاریها بوده است، در حالی که ۱۰ کشور دریافت‌کننده عمده، ۶۸ درصد از کل جریانها را به خود اختصاص داده‌اند.

جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی و حجم سرمایه آنها نشان داده شده است. همان طور که از نمودار ۳ مشهود است در ابتدای دهه ۹۰، ۷۵ درصد حجم و ۶۰ درصد جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سه قطب اقتصادی جهان یعنی آمریکای شمالی، اروپا و ژاپن متمرکز بود که هم به عنوان مبدأ و هم به عنوان مقصد سرمایه گذاری بین‌المللی

جدول ۲. خالص جریان FDI به کشورهای در حال توسعه

۱۹۹۰ - ۱۹۹۳	۱۹۸۳ - ۱۹۸۹	۱۹۷۷ - ۱۹۸۲	۱۹۷۳ - ۱۹۷۶	مناطق در حال توسعه
۱٫۴	۱٫۱	۰٫۸	۱٫۱	آفریقا
۱۹٫۸	۵٫۲	۲٫۷	۱٫۳	آسیا
۱٫۶	۲٫۶	۲٫۵	- ۱	خاورمیانه و اروپای در حال توسعه
۱۱	۴٫۴	۵٫۳	۲٫۲	آمریکای لاتین و جنوبی
۳۴٫۲	۱۳٫۳	۱۱٫۲	۳٫۷	کل

منبع: مرجع [۱۲]

شرکتهای آمریکا، آلمان، بریتانیا، ژاپن و فرانسه، عمده فعالیتهای آنها را در دست دارند. بیشترین سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در طی سال را می‌توان به ادغامها و تشکیل تراستها در میان کشورهای توسعه یافته در زمینه‌های انرژی، مخابرات، داروسازی و خدمات مالی نسبت داد. در سال ۱۹۹۵ جریانهای ورود سرمایه به کشورهای آمریکای لاتین و حوزه کارائیب با ۵ درصد افزایش نسبت به سال ۱۹۹۴ به ۲۲٫۷ میلیارد دلار بالغ شد که این مقدار نشان‌دهنده ۲۵ درصد کل FDI در کشورهای در حال توسعه است. این سرمایه‌گذاریها در کشورهای مکزیک، برزیل، شیلی، آرژانتین و پرو متمرکز بود.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آفریقا در سال ۱۹۹۵ تنها ۵ میلیارد دلار بود. ورود FDI به آفریقا در فاصله سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵ به دو برابر افزایش یافته است. عملاً سهم آفریقا از ۵٫۸ درصد در سال ۱۹۹۴ به ۴٫۷ درصد در سال ۱۹۹۵ تنزل یافت. طبق گزارش انکتناد، ۶۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در آسیا طی سال ۱۹۹۵ نسبت به سال ۱۹۹۴، ۲۱ درصد افزایش داشت. تقریباً ۹۰ درصد سرمایه‌های ورودی به آسیای شرقی و جنوب شرقی اختصاص داشت و ۳۸ میلیارد دلار از این مبلغ به تنهایی مختص به چین بود. ضمناً در این گزارش سه برابر شدن جریان FDI در سال ۱۹۹۵ به طرف هند پس از اجرای سیاستهای آزادسازی و مقررات زدایی تصریح شده است و انتظار می‌رود این امر گسترش بیشتری بیابد. در جدول ۲، خالص جریان FDI به کشورهای در حال توسعه طی ۲۰ سال (۱۹۷۳ - ۱۹۹۳) در چهار دوره زمانی نشان داده شده است. ارقام، نمایانگر متوسط میزان به میلیارد دلار آمریکا در سال است. ضمن آنکه بر تمرکز جغرافیایی FDI در سه قطب عمده اقتصاد جهانی تأکید شد، جدول ۲ نشان می‌دهد که طی ۲۰ سال گذشته توزیع جریان FDI از ۱۹۹۰ به سوی آسیا (عمدتاً چین) و آمریکای لاتین و جنوبی گسترش یافته و به سایر مناطق به طور جدی توجه نشده است.

روندهای زیر طی ۲۰ سال اخیر در جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مشاهده می‌شود:

- جریان جهانی FDI بین سالهای ۱۹۷۳ و ۲۰۰۰، سالانه ۱۶ درصد یا ۵۳ برابر رشد کرده است. این ارقام در سالهای ۱۹۷۳، ۱۹۸۵ و ۲۰۰۰ به ترتیب معادل ۲۴ میلیارد دلار،

● جریان جهانی FDI بین سالهای ۱۹۷۳ و ۲۰۰۰، سالانه ۱۶ درصد یا ۵۳ برابر رشد کرده است. این ارقام در سالهای ۱۹۷۳، ۱۹۸۵ و ۲۰۰۰ به ترتیب معادل ۲۴ میلیارد دلار،

● جریان جهانی FDI بین سالهای ۱۹۷۳ و ۲۰۰۰، سالانه ۱۶ درصد یا ۵۳ برابر رشد کرده است. این ارقام در سالهای ۱۹۷۳، ۱۹۸۵ و ۲۰۰۰ به ترتیب معادل ۲۴ میلیارد دلار،

جدول ۳. پیش‌بینی متوسط سالانه FDI طی سالهای ۲۰۰۱-۲۰۰۵

کشور	جریان ورود سرمایه (میلیارد دلار)	درصد از کل جریان ورودی سرمایه در جهان
آمریکا	۲۳۶٫۲	۲۶٫۶
انگلستان	۸۲٫۵	۹٫۳
آلمان	۶۸٫۹	۷٫۸
چین	۵۷٫۶	۶٫۵
فرانسه	۴۱٫۸	۴٫۷
هلند	۳۶٫۱	۴٫۱
بلژیک	۳۰٫۲	۳٫۴
کانادا	۲۹٫۶	۳٫۳
هنگ‌کنگ	۲۰٫۵	۲٫۳
برزیل	۱۸٫۸	۲٫۱

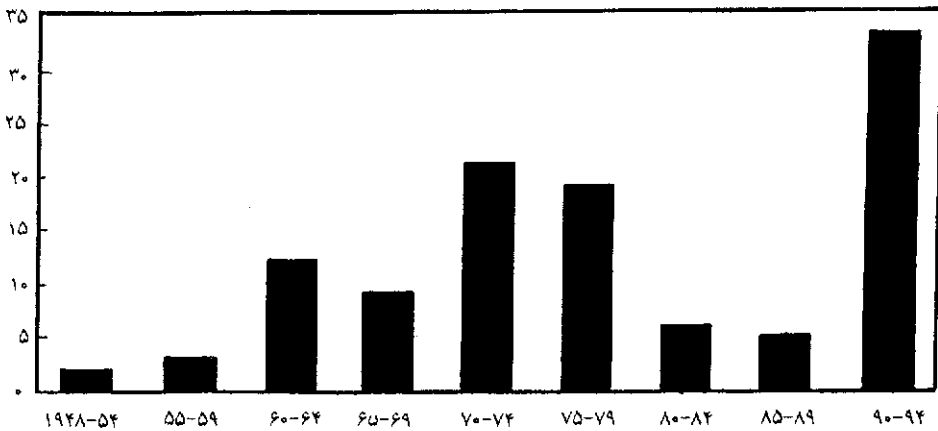
است. ده کشور اول دریافت‌کننده FDI و سهم آنها در این سالها در جدول ۳ نشان داده شده است.

بر اساس این گزارش پیش‌بینی می‌شود که جریان جهانی FDI از ۱٫۱ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۰ به کمتر از ۸۰۰ میلیارد دلار کاهش یابد. تقریباً این کاهش به دلیل رکود موجود در آمریکا و کاستن از سرعت جریان جذب و تملک شرکتها (نیروی محرک سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اقتصادهای توسعه یافته) است. ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورهای فقیر حول و حوش ۲۲۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. در سالهای آینده رشد جریان FDI کمی بیشتر از جریان FDI به کشورهای ثروتمند خواهد بود. سهم کشورهای در حال توسعه از FDI جهانی، تا سال ۲۰۰۵ به ۲۹ درصد خواهد رسید. حجم جهانی سرمایه تا سال ۲۰۰۵ در مقایسه با ۶ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۰، به بیش از ۱۰ تریلیون دلار خواهد رسید.

۶۰ میلیارد دلار و ۱۲۷۱ میلیارد دلار بوده است.

- حجم سرمایه جهانی ناشی از FDI طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰، ۱۰ برابر یا سالانه ۱۲ درصد افزایش یافت. میزان حجم سرمایه در سال ۲۰۰۰، ۶۳۱۰ میلیارد دلار بوده است.
- نسبت حجم سرمایه ناشی از جریان ورودی FDI به تولید ناخالص داخلی در جهان، طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ از ۶ درصد به ۱۷٫۳ درصد رسید. تغییرات این نسبت برای کشورهای در حال توسعه از ۱۰٫۲ درصد به ۲۸ درصد بود، یعنی تقریباً سه برابر شد و برای کشورهای کمتر توسعه یافته (LDCs) به ۵ برابر یعنی از ۲٫۸ درصد به ۱۴٫۲ درصد افزایش یافت.

مجله اکونومیست هم در فوریه ۲۰۰۱ به نقل از گزارش اقتصادی EIU، متوسط سالانه ورود جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را برای ۶۰ کشور طی سالهای ۵ - ۲۰۰۱ پیش‌بینی کرده



نمودار ۴. تعداد موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای اعلام شده به دبیرخانه گات، ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۴ (منبع: مرجع [۱۳]).

اینکه، این موافقت‌نامه‌ها عمدتاً در اروپای غربی متمرکز شده است. تشکیل جامعه اقتصادی اروپا (EEC) در ۱۹۸۵ و اتحادیه تجارت آزاد اروپا (EFTA) در ۱۹۶۰ فرایند وسعت بخشیدن به ادغامهای منطقه‌ای بین کشورهای اروپایی و سایر کشورها را تسریع کرد. از ۱۰۹ موافقت‌نامه اعلام شده به گات بین ۱۹۴۸ و ۱۹۹۴، کشورهای اروپای غربی در ۷۶ مورد مشارکت داشتند.

از میان رفتن مرز سیاسی بین اروپای غربی و شرقی در ۱۹۸۹، عامل مهمی در انعقاد موافقت‌نامه‌ها بین این کشورها و اروپای مرکزی و شرقی بود، به طوری که از میان ۳۳ موافقت‌نامه اعلام شده به دبیرخانه گات از سال ۱۹۹۰، ۹ تا مربوط به این نوع موافقت‌نامه‌ها بوده است. ویژگی دوم ادغامهای منطقه‌ای پس از جنگ، تعداد اندک موافقت‌نامه‌های منعقد شده بین کشورهای در حال توسعه است. سومین ویژگی مربوط می‌شود به اینکه سطح ادغام اقتصادی بین

مبادلات منطقه‌ای و حاشیه‌گرایی در اقتصاد جهان

روند دیگری که در سطح اقتصاد جهانی پدیدار شده، گرایش به مبادلات منطقه‌ای است. صادرات منطقه‌ای چه به صورت مبادلات در مناطق آزاد تجاری و چه به صورت ایجاد اتحادیه‌های گمرکی در طول سالهای اخیر رشد کرده و افزایش یافته است، به طوری که اینک در همه قاره‌های دنیا شاهد ظهور این اتحادیه‌ها و مناطق آزاد هستیم. نمودار ۴ تعداد موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای بین کشورها را در دوره پس از جنگ که به دبیرخانه گات اعلام شده است نمایش می‌دهد. در مجموع از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۹۴، ۱۰۹ موافقت‌نامه به دبیرخانه گات اعلام شده که ۱۱ موافقت‌نامه توسط کشورهای در حال توسعه بوده است. موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای، مناطق جغرافیایی مشابه و همچنین مناطق مختلف را در بر می‌گیرد. سه ویژگی عمده، موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای پس از جنگ را مشخص می‌سازند: اول

طرفهای درگیر موافقت‌نامه‌ها، به طرز چشمگیری متغیر است. اکثر این موافقت‌نامه‌ها، مناطق آزاد تجاری را در بر می‌گیرد و اتحادیه‌های گمرکی تعداد اندکی را تشکیل می‌دهد. در میان مناطق آزاد تجاری، دو نوع موافقت‌نامه به چشم می‌خورد که عبارت‌اند از: موافقت‌نامه‌های متقابل و غیر متقابل. در موافقت‌نامه متقابل هر عضو توافق می‌کند تا موانع تجاری را کاهش دهد، در حالی که در موافقت‌نامه غیر متقابل، کشورهای توسعه‌یافته توافق می‌کنند به منظور کمک به توسعه تجاری برخی کشورهای در حال توسعه، بدون چشمداشت اخذ امتیاز، امتیازاتی را قایل شوند. در میان موافقت‌نامه‌های ادغام منطقه‌ای، محدوده محصولات تحت پوشش و عمق اقدامات آزاد سازی از لحاظ کاهش موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای به طور قابل ملاحظه‌ای متغیر است. کلیه موافقت‌نامه‌ها، محصولات صنعتی را در بر می‌گیرند، حال آنکه اکثر آنها محصولات کشاورزی، محصولات ابتدایی پردازش نشده و محصولات معدنی را در بر نمی‌گیرند. در اواسط سال ۲۰۰۰ نیز دبیرخانه سازمان جهانی تجارت (WTO)، ۱۱۴ موافقت‌نامه تجاری منطقه‌ای را فهرست کرد که توسط یک یا چند عضو این سازمان اعلام شده بود. تقریباً کلیه اعضای سازمان جهانی تجارت، حداقل در یک موافقت‌نامه تجاری منطقه‌ای و بسیاری در دو یا چند موافقت‌نامه شرکت داشتند. در نیمکره غربی، نفت (NAFTA)^۱ از سال ۱۹۹۴، سه کشور کانادا، مکزیک و آمریکا را به هم پیوند می‌دهد، در حال حاضر مذاکراتی بین ۳۴ کشور آمریکایی و حوزه

کارائیب تحت عنوان منطقه آزاد تجاری آمریکا (FTAA)^۲ در جریان است که از لحاظ وسعت و دامنه تعهدات، بسیار فراتر از نفتا است. این منطقه، کلیه کشورهای آمریکا را از شمال کانادا تا جنوب شیلی به جز کشور کوبا با جمعیت ۸۰۰ میلیون نفر و تولید ناخالص داخلی ۱۱ تریلیون دلار در برمی‌گیرد که قرار است تا سال ۲۰۰۵ به واقعیت بپیوندد. مکزیک و اتحادیه اروپا یک موافقت‌نامه تجاری آزاد منعقد کردند که در ژوئیه ۲۰۰۰ به اجرا گذاشته شد. بر اساس این موافقت‌نامه، شرکت‌های اروپایی نیز از همان امتیازات نفتا در مقابل بازار مکزیک برخوردار می‌شوند.

در سال ۱۹۹۴، دولتهای موسوم به مشترک - المنافع (CIS)^۳ موافقت کردند تا منطقه آزاد تجاری شامل آذربایجان، ارمنستان، بلاروس، گرجستان، مولداوی، قزاقستان، فدراسیون روسیه، اوکراین، ازبکستان، تاجیکستان و جمهوری قرقیزستان تشکیل دهند. موافقت‌نامه اتحاد گمرکی بین جمهوری قرقیزستان، فدراسیون روسیه، بلاروس و قزاقستان در ۱۹۹۷ منعقد شد و قرار است تا سال ۲۰۰۳ کاملاً به اجرا درآید.

در آسیا، اعضای آسه آن شامل بروئی، کامبوج، اندونزی، لائوس، مالزی، میانمار، فیلیپین، سنگاپور، تایلند و ویتنام بر سر مراحل نهایی آزادسازی تعرفه‌ها تا سال ۲۰۰۵ مذاکره کرده‌اند.

1. North American Free Trade Area
2. Free Trade Area of the Americas
3. Common Interest States

جدول ۴. سهم تجارت (صادرات و واردات) درون منطقه‌ای نسبت به کل تجارت در هفت منطقه جغرافیایی،

۱۹۹۳-۱۹۲۸ (درصد)

مناطق	۱۹۲۸	۱۹۳۸	۱۹۴۸	۱۹۵۸	۱۹۶۳	۱۹۶۸	۱۹۷۳	۱۹۷۹	۱۹۸۳	۱۹۹۳
اروپای غربی	۵۰٫۷	۴۸٫۸	۴۱٫۸	۵۲٫۸	۶۱٫۱	۶۳	۶۷٫۷	۶۶٫۲	۶۴٫۷	۶۹٫۹
اروپای مرکزی و شرقی و شوروی سابق	۱۹	۱۳٫۲	۴۶٫۴	۶۱٫۲	۷۱٫۳	۶۳٫۵	۵۸٫۸	۵۴	۵۷٫۳	۱۹٫۷
آمریکای شمالی (بجز مکزیک)	۲۵	۲۲٫۴	۲۷٫۱	۳۱٫۵	۳۰٫۵	۳۶٫۸	۳۵٫۱	۲۹٫۹	۳۱٫۷	۳۳
آمریکای لاتین (شامل مکزیک)	۱۱٫۱	۱۷٫۷	۲۰	۱۶٫۸	۱۶٫۳	۱۸٫۷	۲۷٫۹	۲۰٫۲	۱۷٫۷	۱۹٫۴
آسیا	۴۵٫۵	۶۶٫۴	۳۸٫۹	۴۱٫۱	۴۷	۳۶٫۶	۴۱٫۶	۴۱	۴۳	۴۹٫۷
آفریقا	۱۰٫۳	۸٫۸	۸٫۴	۸٫۱	۷٫۸	۹٫۱	۷٫۶	۵٫۶	۴٫۴	۸٫۴
خاورمیانه	۵	۳٫۶	۲۰٫۳	۱۲٫۱	۸٫۷	۸٫۱	۶٫۱	۶٫۴	۷٫۹	۹٫۴
جهان	۳۸٫۷	۳۷٫۴	۳۲٫۹	۴۰٫۶	۴۴٫۱	۴۷	۴۹٫۳	۴۵٫۸	۴۴٫۲	۵۰٫۴

منبع: مرجع [۱۳]

عربستان سعودی و امارات متحده عربی در ۱۹۹۹ توافق کردند تا سیستم تعرفه‌های مشترک را در مقابل سایر کشورها تا سال ۲۰۰۵ به اجرا در آورند. اتحادیه عرب (علاوه بر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس شامل مصر، عراق، اردن، لبنان، لیبی، مراکش، سوریه و تونس) قرار است تا سال ۲۰۰۷ بازار مشترک تأسیس کنند.

جدول ۴، به منظور ترسیم تصویری روشن از الگوی تجاری و ادغام درون مناطق و بین مناطق سهم تجارت را در کل تجارت هفت منطقه جغرافیایی نشان می‌دهد.

1. Economic and Monetary Community of Central Africa
2. Economic and Monetary Community of Central Africa
3. Gulf Cooperation Council

کره جنوبی، مذاکراتی را در سال ۱۹۹۸ با شیلی بر سر دسترسی به بازار صادراتی کالاهای خود شروع کرد. سری لانکا و هند موافقت کردند تا توافق منطقه‌ای تجاری خود را که در سال ۱۹۹۸ منعقد شد اجرا کنند.

در آفریقا، برخی اعضای جامعه اقتصادی دولت‌های آفریقای غربی (ECOWAS)^۱ شامل بنین، بورکینافاسو، غنا، مالی، نیجریه، نیجر و توگو توافق کردند تا سال ۲۰۰۱ به تعرفه مشترک در مقابل سایر کشورها دست یابند.

جامعه اقتصادی و پولی آفریقای مرکزی (CEMAC)^۲ شامل کامرون، جمهوری آفریقای مرکزی، کنگو، گینه استوایی و چاد گامهایی برای تشکیل اتحادیه اقتصادی برداشته‌اند.

در خاورمیانه، شورای همکاری خلیج فارس (GCC)^۳ شامل بحرین، کویت، عمان، قطر،

جدول ۵. سهم تجارت (صادرات و واردات) بین منطقه‌ای در GDP، ۱۹۹۰-۱۹۲۸

مناطق	۱۹۲۸	۱۹۸۳	۱۹۴۸	۱۹۵۸	۱۹۶۳	۱۹۶۸	۱۹۷۳	۱۹۷۹	۱۹۸۳	۱۹۹۰
اروپای غربی	۱۶۵	۱۲۳	۲۰۶	۱۵۸	۱۲۲	۱۲۵	۱۳۸	۱۶۱	۱۵۳	۱۲۸
اروپای مرکزی و شرقی و شوروی سابق	۲۴۳	۲۱۷	۱۳۴	۹۷	۸۶	۱۴۶	۱۶۵	۱۸۴	۱۷۱	۲۲۷
آمریکای شمالی (بجز مکزیک)	۷۸	۵۹	۷۸	۶۳	۵۷	۶	۸۵	۱۳۶	۱۱	۱۳۲
آمریکای لاتین (شامل مکزیک)	۴۰	۲۴۷	۲۴	۲۴۸	۲۰۶	۱۷۴	۱۰۶	۲۱۳	۲۰۹	۲۳۷
آسیا	۱۷۴	۸۱	۱۵۱	۱۵۵	۱۱۴	۱۳۵	۱۳۶	۱۶۱	۱۵۴	۱۵۲
آفریقا	۵۳۸	۴۵۶	۴۵۸	۴۲۲	۵۱۹	۳۴۸	۳۷۷	۴۴۵	۳۵	۴۵۶
خاورمیانه	۵۷	۴۸۲	۴۰	۵۱	۳۳۶	۳۴۲	۴۴۶	۵۲۵	۴۶۹	۵۰
جهان	۱۴۹	۱۲۴۰	۱۴۹	۱۲۹	۱۱۸	۱۱۶	۱۴۲	۱۸۸	۱۷۴	۱۶۱

منبع: مرجع [۱۳]

تجارت بین منطقه‌ای در کل تولید (مطابق جدول ۵) بوده است.

بر اساس جدول ۵، در سایر مناطق، اهمیت نسبی تجارت بین منطقه‌ای در تولید تا حد زیادی بدون تغییر مانده است به استثنای آمریکای شمالی (کانادا و آمریکا) که این نسبت از ۶۳ درصد در ۱۹۵۸ به ۱۳۲ درصد در ۱۹۹۰ یعنی بیش از دو برابر شده است.

با توجه به روند رو به رشد مبادلات منطقه‌ای، کشورهای که به نحوی یا در اقتصاد جهانی و یا در مناطق آزاد تجاری مشارکت نمی‌کنند و یا در اتحادیه‌های گمرکی حضور نمی‌یابند، محکوم به منفرد شدن و حاشیه‌ای شدن هستند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که در حال حاضر، اقتصاد جهانی به اقتصادهای منفرد، امکان رشد و نمو چندانی نمی‌دهد.

همان طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، در اروپای غربی سهم تجارت درون منطقه‌ای از ۵۳ به ۷۰ درصد طی سالهای ۱۹۵۸ الی ۱۹۹۳ افزایش یافت که عمده این افزایش بین سالهای ۱۹۵۸ و ۱۹۷۳ اتفاق افتاد. در آسیا و آمریکای لاتین نیز سهم تجارت درون منطقه‌ای به میزان کمتر از اروپا افزایش یافت. در سایر مناطق جغرافیایی، اهمیت تجارت درون منطقه‌ای بدون تغییر ماند و حتی تنزل کرد. نمونه آشکار تنزل در تجارت درون منطقه‌ای در سالهای اخیر، در میان کشورهای منطقه اروپای شرقی و شوروی سابق بوده است، به طوری که می‌توان افزایش سهم تجارت درون منطقه‌ای کالا در جهان را طی سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۹۳ از ۶۰٫۴ به ۵۰٫۴ درصد، عمدتاً به تغییرات این سهم در اروپای غربی نسبت داد. این نکته را باید در نظر داشت که افزایش این سهم همراه با تغییر اساسی در اهمیت

علل و نیروهای محرکه جهانی شدن

علل و نیروهای محرکه اساسی جهانی شدن (تقسیم کار بین‌المللی جدید) به دو عامل تغییرات وسیع و سریع در حوزه‌های ارتباطات، حمل و نقل و اطلاعات و اقدامات آزادسازی تجاری انجام شده در قالب موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) نسبت داده شده و در شرایط حاضر، جهانی شدن اقتصاد به نوبه خود باعث گسترش حیطه آزادسازی تجارت در قالب نهاد جدید سازمان جهانی تجارت (WTO) شده است.

آزادسازی تجارت

منظور از آزادسازی تجاری، رفع موانع بر سر راه تجارت کشورهاست، از این رو علل و انگیزه اساسی آزادسازی تجاری را باید در گسترش بازارها جستجو کرد. به نظر می‌رسد در فضای جدید بین‌المللی پس از فروپاشی نظام سوسیالیستی سابق و پایان دوران جنگ سرد، هدف گسترش بازارها دیگر از طریق جنگهای عالمگیر قابل تصور نیست و سازوکارهای اقتصادی جایگزین دیگر سازوکارها و به تعبیری ژئواکونومیک جایگزین ژئوپلیتیک شده است.^۱

فعالیت‌های آزادسازی تجاری که از ابتدای قرن بیستم با نوساناتی توسط کشورهای پیشرفته صنعتی دنبال می‌شد، پس از جنگ جهانی دوم به شکل سامان یافته‌تری در قالب گات و برگزاری هشت دور مذاکراتی تجلی یافت و سرانجام با امضای سند نهایی دوراروگوئه در فروردین ۱۳۷۳ (آوریل ۱۹۹۴) توسط وزیران کشورهای عضو در

مراکش، بزرگترین موافقت‌نامه تجاری قرن منعقد شد. دستاورد اصلی دوراروگوئه دو ویژگی مهم است. اول، گسترده شدن پوشش موضوعهای مورد توافق؛ تا قبل از دوراروگوئه مذاکرات تجاری شامل اعطای امتیازاتی در جهت رفع موانع تعرفه‌ای و بعضاً غیر تعرفه‌ای عمدتاً در زمینه کالاهای صنعتی بود، لیکن پس از آن، حوزه‌های کشاورزی، منسوجات و پوشاک، خدمات و حقوق مالکیت معنوی در قالب موافقت‌نامه‌هایی تحت شمول مقررات و قوانین آزادسازی قرار گرفت. دوم، تشکیل سازمان جهانی تجارت از اول ژانویه ۱۹۹۵؛ این سازمان به عنوان مجمعی برای مذاکرات تجاری، امکان نظارت بر اجرای موافقت‌نامه‌ها و پیش‌بینی سازوکارهایی جهت تضمین اجرای آنها را در اختیار اعضا قرار می‌دهد. دستاورد دوراروگوئه، سند نهایی^۲ است که موافقت‌نامه‌های زیر را در برمی‌گیرد:

۱. موافقت‌نامه تأسیس سازمان جهانی تجارت
۲. موافقت‌نامه کشاورزی
۳. موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت‌نباتی
۴. موافقت‌نامه راجع به منسوجات و پوشاک
۵. موافقت‌نامه راجع به موانع فنی تجارت
۶. موافقت‌نامه راجع به اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت
۷. موافقت‌نامه راجع به بازرسی قبل از حمل
۸. موافقت‌نامه راجع به قواعد مبدأ

۱. هر چند حوادث پس از ۱۱ سپتامبر (۲۰ شهریور) و به طور مشخص دیدگاه استراتژیست‌هایی چون هنری کیسینجر، تعبیر فوق را به چالش طلبیده است.

2. Final Act

۹. موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی
۱۰. موافقت‌نامه راجع به رویه‌های صدور مجوز ورود
۱۱. موافقت‌نامه راجع به یارانه‌ها و اقدامات جبرانی
۱۲. موافقت‌نامه حفاظتها

۱۳. موافقت‌نامه راجع به تجارت خدمات

۱۴. موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی

۱۵. موافقت‌نامه راجع به حل و فصل اختلافات

بالاترین رکن سازمان جهانی تجارت، کنفرانس وزیران است که هر دو سال یک بار جلساتی را تشکیل می‌دهند و مهمترین موضوعات مطرح در شورای عمومی این سازمان را مورد بررسی قرار می‌دهند. تاکنون چهار کنفرانس وزیران در سالهای ۱۹۹۶، ۱۹۹۸، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۱ در کشورهای سنگاپور، سوئیس (ژنو)، آمریکا (سیاتل) و قطر (دوحه) برگزار شده است. با پیوستن دو کشور چین و تایوان در اوایل سال ۲۰۰۲، تعداد اعضای این سازمان به ۱۴۴ رسید. تصمیمات اتخاذ شده در دوراروگوئه در

زمینه کالاهای صنعتی حکایت از آن دارد که اقلام معاف از عوارض گروه کشورهای جهان رو به افزایش است و کاهش تعرفه‌ها بر حسب گروه کالاهای صنعتی، یکسان و متوازن نیست. بالاترین کاهش (بین ۴۰ تا ۷۰ درصد) مربوط به بخشهای چوب، خمیر کاغذ، کاغذ، اثاثیه منزل، فلزات، ماشین‌آلات غیر برقی و برقی می‌شود و کاهشهای بین ۲۰ تا ۲۵ درصد، بخشهای منسوجات و پوشاک، تجهیزات حمل و نقل، چرم، کفش و

لاستیک را شامل می‌شود.

البته تأکید مفرط بر روند آزادسازی تجارت می‌تواند گمراه‌کننده باشد و نباید ظهور سیاستهای حمایتی نوین را در عرصه اقتصادی جهان نادیده گرفت.

پیشرفتهای فناوری

یکی دیگر از عواملی که به شکل‌گیری فرآیند جهانی شدن کمک فزاینده‌ای کرده، پیشرفتهای محیرالعقول فناوری در عرصه‌های ارتباطات، حمل و نقل و اطلاعات است. این پیشرفتها به سرعت منتقل می‌شود و از آزمایشگاه خود را به خط تولید می‌رساند. سرعت دگرگونیها به حدی است که برخی دانشمندان پیش‌بینی می‌کنند دو نسل بعد از نسل امروز به عنوان اجدادی یاد می‌کند که با موادی چون آهن و فولاد سر و کار داشته‌اند. طی مدت کوتاه پس از جنگ جهانی دوم، نوآوریها به اختراع کامپیوتر و ریزپردازنده‌ها انجامیده و تغییرات شگرفی را در ارتباطات (ماهواره‌ها و فناوری تار نوری) موجب شده است.

تأثیر این پیشرفتها در عرصه حمل و نقل و کاهش مسافتها با مثال زیر بیشتر روشن می‌شود. طی سالهای ۱۸۴۰-۱۵۰۰، متوسط سرعت در شبکه‌های مجهز به اسب و کشتیهای دریانوردی ۱۰ مایل در هر ساعت بود. از ۱۹۳۰-۱۸۵۰، متوسط سرعت لکوموتیوهای بخاری به ۶۵ مایل در ساعت و کشتیهای بخاری به ۳۶ مایل در ساعت رسید. سرعت هلی‌کوپترها در دهه ۵۰ میلادی ۴۰۰-۳۰۰ مایل در ساعت بود و در دهه

شدند^۲ زیرا همان طور که قبلاً توضیح داده شد،

1. Marginalization

۲. روندهای آتی علوم و فناوری نشان می‌دهد که جهان صنعتی با سرعت هر چه بیشتر مصمم است اتکای خود را به سه منبع نیروی کار، منابع زیرزمینی و انرژی تا سر حد امکان کاهش دهد. در مورد استفاده از نیروی کار، روند خودکار شدن فرآیند تولید و به حداقل رساندن نیاز به نیروی کار انسان فوق‌العاده پر شتاب است و بحث بر سر این است که تا پایان قرن بیستم، میزان دخالت انسان در کل فعالیتهای تولیدی به صفر برسد! در مورد منابع زیرزمینی اکنون مسئله این است که یک اکوسیستم صنعتی، به تقلید از اکوسیستم بیولوژیک ساخته شود. همان طور که می‌دانیم در اکوسیستم بیولوژیک، گیاهان طبیعی ترکیبهای غذایی گیاهخواران را تأمین می‌کنند و گوشتخواران از گیاهخواران تغذیه می‌کنند و سرانجام ضایعات و لاشه گوشتخواران گونه‌های دیگری از گیاه خواران را تغذیه می‌کند. بر این اساس در نظر است که ساختارهای صنعتی و فناوریهای نوین تولید را آن چنان دچار دگرگونی سازند که یک نظام صنعتی جدید بر پایه به صفر رساندن استفاده از منابع تجدیدناشدنی موجود در زیرزمین و اعلام آنان به عنوان ذخایر راهبردی جامعه بشری به وجود آید. به همین خاطر، قرن آینده را به اعتبار گرایش مزبور، قرن بازیابی ضایعات اعلام کرده‌اند. در مورد انرژی نیز بر اساس گزارش صرفه جویی که توسط آژانس بین‌المللی انرژی در سال ۱۹۸۷ انتشار یافته است، کشورهای عضو این آژانس در سال ۱۹۸۵ در مقایسه با سال ۱۹۷۳ به ازای هر واحد GDP تا ۲۰ درصد کمتر انرژی مصرف کرده‌اند که این میزان نشان دهنده یک صرفه جویی کلی معادل ۱۷٫۷ میلیون شبکه در روز یعنی رقمی بیشتر از کل تولید اوپک در سال یاد شده است. به علاوه روند اقتصادی کردن انرژیهای تجدید شونده نیز شتاب اساسی یافته، برای مثال در حالی که در سال ۱۹۵۰، قیمت یک کیلووات ساعت برق به دست آمده از انرژی خورشیدی معادل ۱۰۰۰ دلار بوده است، هزینه مزبور در ۱۹۸۹ به کمتر از ۸ سنت رسیده است و تحقیقات با جدیت هر چه بیشتر در این زمینه ادامه دارد^[۳]

۶۰ هواپیماهای مسافری جت، سرعتی معادل ۷۰۰ - ۵۰۰ مایل در ساعت داشتند. هواپیماهای مسافری جت، فاصله بین دو نقطه از جهان را بسیار کوتاه کردند، به طوری که گفته می‌شود در حال حاضر فاصله نیویورک تا توکیو، نزدیکتر از فاصله آن تا فیلادلفیا در دوران استعماری است. [۱۶]

به هر حال پیشرفتهای فناوری، مفاهیم زمان و منابع را به صورت اساسی دگرگون ساخته و جهان را به دهکده‌ای با مرزهای شیشه‌ای تبدیل کرده است.

دیدگاهها

در زمینه آثار و پیامدهای جهانی شدن و آزادسازی تجاری خصوصاً برای کشورهای در حال توسعه دیدگاههای گوناگونی وجود دارد. موافقان جهانی شدن بیشتر بر مزایای ناشی از تخصیص کارآمدتر منابع تأکید می‌کنند، حال آنکه برخی مخالفان تا آنجا پیش می‌روند که از فاجعه جهانی شدن و شکل‌گیری پدیده حاشیه‌گرایی^۱ و جهان چهارم صحبت به میان می‌آورند. اما آنچه مسلم می‌نماید این است که دو روند فوق یک واقعیت محرز است و این دو پدیده موجب افزایش ادغام و یکپارچگی و به تعبیر برخی وابستگی متقابل هر چه بیشتر اقتصاد جهانی می‌شود. البته درک پدیده وابستگی متقابل تنها در سایه مفهوم جهانی شدن معنا می‌یابد و به هیچ وجه با این موضوع تعارضی ندارد که کشورهای پیشرفته صنعتی طی سه دهه اخیر از طریق به‌کارگیری فناوریهای پیشرفته، موفق به صرفه‌جوییهای وسیعی در مواردی چون نفت و سایر منابع تولید

جهانی شدن به کاهش هزینه‌ها می‌انجامد و به دلیل خصلت حداکثرسازی سود به دنبال یافتن مزیت‌های نسبی به بازار کشورهای گوناگون پر می‌کشد و نیاز به بازار و تأمین عوامل تولید ارزان، عواملی هستند که به مفهوم وابستگی متقابل موضوعیت می‌بخشند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد معلوم می‌شود که جهانی شدن و آزادسازی تجاری، دو روند اساسی و حاکم بر اقتصاد جهان هستند که به مدد پیشرفت‌های عظیم فناوری و آزادسازی‌های تجاری شرایطی فراهم می‌کند تا عوامل تولید از جمله کار و سرمایه و تبادل کالاها و خدمات از شتاب بیشتری برخوردار شوند. در چنین شرایطی بی‌مناسبت نیست که مشاهده می‌کنیم پایه سوم قدرت جهانی (از لحاظ سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی مهم) یعنی سازمان جهانی تجارت (در کنار صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی) پس از گذشت قریب به نیم قرن از پیشنهاد تشکیل سازمان تجارت بین‌المللی ITO^۱ که پس از جنگ جهانی دوم جامه عمل پوشیده، در فضای فروپاشی نظام اتحاد شوروی سابق و متحدان سیاسی آن و در دنیای پس از جنگ سرد شکل می‌گیرد.

دو طنز تاریخی در ارتباط با جهانی شدن قابل مشاهده است. طنز اول، اینکه اقتصاد جهان علی‌رغم انبساط شدید^۲ در حال کوچک شدن است. دوم اینکه، اگر بپذیریم انقلاب صنعتی اولین انقلاب علمی - فنی در جهان بود که افزایش قابل توجه تولید مدرن را به همراه داشت

و گسترش نظام سرمایه‌داری با جایگزینی کنار بدنی انسان با نیروی ماشینی، امکان استفاده وسیع از مواهب طبیعی و افزایش شدید بازدهی نیروی کار را فراهم ساخت به گونه‌ای که بشر از قوت ناچیز مقدر شده رهایی یافت، انقلاب علمی - فنی دوم پس از جنگ جهانی دوم با رشد محیرالعقول فناوری اطلاعات و دستگاه‌های خودکار، قابلیت‌های فکری بشر را تکمیل می‌کند و دستاوردهای آن ضرورت کار جسمانی انسان را به طور کلی از میان می‌برد. طنز دوم تاریخ به همین نکته باز می‌گردد که پیشرفتهای غول آسای فناوری در مقابل خود، سد عظیم انسانی را می‌یابند که سعی در کند کردن این پیشرفتها دارد. برخی مخالفتها در قالب اعتراضهای جمعی به فرایند جهانی شدن از همین منظر قابل توضیح است. مشکلات زیست محیطی جهان پس از گذشت سه قرن از رشد و توسعه غرب که خود نقش عمده‌ای در ایجاد آن داشت (کاهش قطر لایه اوزون، فرسایش منابع جهان از جمله آب و خاک و جنگلها و برهم زدن اکوسیستم طبیعت) و به‌کارگیری نیروی کار کودکان در کشورهای جهان سوم، چالشهایی هستند که کشورهای در حال توسعه برای رشد و توسعه خود با آنها روبه‌رو

1. International Trade Organization

۱. برای تصویری روشنتر از انبساط اقتصاد جهانی، اشاره به آمار زیر جالب است: «بین سالهای ۱۸۲۰ و ۱۹۹۲، جمعیت جهان ۵ برابر، درآمد سرانه ۸ برابر، تولید جهانی ۴۰ برابر و تجارت جهانی ۵۴۰ برابر رشد کرده» [پل استریتین، Finance & Development، ژوئن ۲۰۰۱، به نقل از مدیسون (۱۹۹۵)].

پیشرفته صنعتی طی سده‌های اخیر به مدد سیاستهای حمایتی تجاری و صنعتی توانستند مزیت‌های اقتصادی را کسب و خلق کنند و در شرایط قدرت برتر به کشورهای در حال توسعه، سیاستهای آزادسازی تجویز کنند؛ به عبارتی سیاست راهبردی تجاری را راهنمای عمل خود قرار می‌دهند، حال آنکه نظریه‌های آزادسازی را برای کشورهای در حال توسعه ترویج می‌کنند. این موضوع از مباحث چالش‌برانگیز در درون سازمان جهانی تجارت طی سالهای آینده خواهد بود. فرصتهایی که جهانی شدن در قالب گسترش تجارت کالاها و خدمات، تولید تجارت کالاها صنعتی، نظام بین‌المللی مالی، سرمایه‌گذاری خارجی و همکاریهای منطقه‌ای در اختیار می‌گذارد کم نیستند، اما استفاده از این فرصتها بدون شناخت صحیح از سازوکارهای آن امکان‌پذیر نیست. بحران آسیای شرقی در ۳-۴ سال اخیر در کشورهایی که زمانی از آنها به عنوان «معجزه» یاد می‌شد، پیش روی ماست. این بحران در مدت زمان کوتاهی با وزش نسیم ملایمی در بازارهای مالی این کشورها را در نوردید و آنها را با مشکلات فراوانی روبه‌رو ساخت به طوری که به تعبیر «مهاتیر بن محمد» نخست وزیر مالزی دستاوردهای ۴۰ ساله کشور بر باد رفت و ناگهان بیره‌های آسیای شرقی، دندانه‌ها و سرپنجه‌های خویش را از دست دادند [۶].

بدیهی است که روند جهانی شدن به مدد انقلاب علمی - فنی معاصر و آزادسازیهای تجاری منتج از آن، واقعیتی است انکارناپذیر و مهمتر زمانی است که پذیریم کل دستاوردهای

هستند. نمی‌توان فراموش کرد که کشورهای پیشرفته صنعتی با به کارگیری شدید نیروی کار نوجوانان و زنان (که داستانهای وحشتناک آن به صورت مرگ و میر حاصل از کارهای طاقت‌فرسای ۱۶-۱۵ ساعت در روز و حوادث غیرمترقبه ناشی از آن بر هیچکس پوشیده نیست) توانستند در مراحل اولیه توسعه خود از آنها بهره‌گیرند. نکته ظریف در همین جا نهفته است که پیام انسانی کشورهای پیشرفته صنعتی در پوشش عدم تخریب محیط زیست و عدم به کارگیری نیروی کار کودکان - که منطقی می‌نماید - هرگونه فضای سالم برای گفتگوی بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته را با چالش مواجه می‌سازد. زمانی مسائل و مشکلات مرتبط با پیشرفتهای سریع فناوری برجسته‌تر می‌شود که عنصر دیگر آن یعنی گسترش میکروبیولوژی و مهندسی ژنتیک و تلاش در جهت کشف کدهای ژنتیک موجودات زنده و حتی خلق آگاهانه کدهای جدید را مجسم کنیم که در کنار تواناییهای بالقوه سترگ جهت غلبه بر امراض مادرزادی، فاجعه گرسنگی و سوء تغذیه نفوس کره خاکی، می‌تواند با چشم انداز وحشتناک سوء استفاده از فناوریهای جدید به دنیای جدید شگفت‌انگیز «آلدوس هاکسلی» تحقق بخشد. در این دنیا، دور نیست زمانی که حکومت‌های توتالیتر انسانهایی طبق «سفارش» تولید کنند [۴].

امکان تحقق جهانی شدن تا حد زیادی منوط به توفیق سازمان جهانی تجارت در توافق بر سر دستور کارهای نشستهای خود، اجرای مفاد و نظارت بر اجرای مفاد آنهاست. در بحث آزادسازی تجاری نیز طنز تاریخی آن است که کشورهای

فناوری بشر به دلیل ملاحظات بازار و حداکثرسازی سود هنوز نمود نیافته است و کم نیستند پروژه‌هایی که به همین دلایل در بایگانیها خاک می‌خورند. اما نباید و نمی‌توان این روند گریزناپذیر را به دلایل ترس از سوء استفاده و اعمال سیاستهای قدرتهای اقتصادی جهان پس زد. از طرفی شیفنگی نسبت به این روند و انتظار نوسادار و حلال همه مشکلات از آن امری است که باید از آن حذر کرد.

نگاهی به فرایند اتخاذ تصمیم‌گیری در سطح کلان کشور در سالهای پس از انقلاب اسلامی، نشان می‌دهد که علی‌رغم تلاشهایی در جهت تدوین و اجرای برنامه‌های پنجساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مقابل تغییرات شتابان محیطی، روزمرگی پیشه شده است و به دلیل عدم برخورد فعال و رویکرد راهبردی (استراتژیک) در مقاطع زمانی مختلف در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته‌ایم، به گونه‌ای که راهکارهای به ظاهر ناگزیر، تنها راهکارهای موجود و عملی تلقی شده است. در چنین مواقعی بدون توجه به پیش‌نیازها و شرایط لازم جهت کارکرد صحیح پدیده و به دلیل وجود نگرشهای مبتنی بر مطلق‌گرایی، خصلت ابزاری پدیده‌ها تبدیل به هدف می‌شود و با تعجیل در پاسخگویی و واکنش به کنشهای پیرامونی از طرح سؤالات و تعریف روشن از صورت مسئله بازمانده‌ایم و در برخی موارد نیز نهادسازی را با تعابیر غلط از مفهوم نهاد صرفاً با تأسیس یک تشکیلات خاتمه یافته قلمداد کرده‌ایم. فرصت شرکت فعال در دوار و گسوته را قبل از تشکیل سازمان جهانی

تجارت (زمانی که کشور عضو ناظر در گات بود) از دست دادیم و زمانی که بجز چند کشور معدود همه به عضویت آن در آمده بودند، پیوستن به این سازمان را ضرورت مطلق یافتیم. برخوردهای مشابه نسبت به آزادسازی تجاری بدون شناخت درجه رقابت پذیری صنایع کشور (با تأکید صرف بر محاسن و مناقب رقابت) و سرمایه‌گذاری خسار جی بدون فراهم‌سازی شرایط و پیش شرطهای مناسب جهت سرمایه‌گذاری می‌تواند در آینده اشتباهات گذشته را تکرار کند.

خلاصه آنکه، استفاده از امکانات و فرصتهایی که جهانی شدن و آزادسازی تجارت پیش روی ما می‌گذارد، تنها با شناخت صحیح از مناسبات روابط بین‌الملل و سازوکارهایی که این فرصتها در اختیار می‌گذارند امکان‌پذیر است، طرح سؤالات اساسی و تلاش در جهت پاسخ آنها می‌تواند به روشن‌سازی چشم‌انداز و جایگاه کشور در پهنه جهانی کمک کند از جمله:

- (الف) راهبرد کلان توسعه اقتصادی کشور و توسعه صنعتی چیست؟
- (ب) برای عضویت در سازمان جهانی تجارت چه بخشهایی مورد حمایت قرار می‌گیرند؟ و چه بخشهایی در معرض آزادسازی قرار می‌گیرند؟ زمانبندی حمایت و میزان آزاد سازی چگونه است؟
- (ج) چشم‌انداز کشور برای گسترش همکاریهای منطقه‌ای چیست؟
- (د) منافع و مضار گونه‌های متفاوت سرمایه‌گذاری خارجی اعم از مستقیم و غیرمستقیم کدام‌اند؟

خارجی چیست؟
ز) بر اثر عضویت کشور در سازمان جهانی تجارت و اجرای قوانین و مقررات آن چه بخشهایی از اقتصاد تحت تأثیر قرار می‌گیرند؟

ه) درجه آسیب‌پذیری اقتصاد ایران در قبال ورود سرمایه‌های خارجی چیست؟
و) اولویتهای بخشی - منطقه‌ای در جذب سرمایه‌های خارجی بر اساس راهبرد کلان توسعه اقتصادی کشور و ظرفیت و توان جذب اقتصاد کشور در قبال سرمایه‌های

منابع

۱. چینی‌چیان، مرتضی، «جایگاه ایران در تجارت بین‌المللی»، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۲، سال ۱۳۷۷.
 ۲. نامه اتاق بازرگانی، «جهانی‌شدن سیستم مالی»، ترجمه فریده تذهیبی، شماره ۱۱، سال ۱۳۷۴.
 ۳. مؤمنی، فرشاد، «علم اقتصاد و بحران در اقتصاد ایران»، مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۴.
 ۴. شاف، آدام، «جهان به کجا می‌رود»، ترجمه فریدون نوایی، انتشارات آگاد، تهران، ۱۳۶۹.
 ۵. مستندات سازمان جهانی تجارت، برگرفته از اینترنت.
 ۶. همشهری، دیدگاههای ماهاتیر محمد نخست وزیر مالزی در باره جهانی‌شدن، ترجمه دکتر علی صباغیان، ۲۸ تیر ۱۳۸۰.
۷. Focus, GATT, March 1998, No 28.
۸. Trade and Development Report, 1998, UNCTAD.
۹. Statistical Year book for Asia and the Pacific, UN, 1997.
10. WTO, International Trade, 1995.
11. UNCTAD, Statistical Pocket book, 1994.
12. Globalization in Question, Hirst and Thompson, Polity Press, 1996.
13. Regionalism and the World Trading System, WTO.
14. WTO, Annual Report, 2001.
15. Economist, June 2001.
16. International Business, Hill, IRWIN Pub, 1994.